

گونه‌شناسی تحلیلی روایات جری

محمدهادی قهاری کرمانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۵

چکیده

در بسیاری از روایات، مفاد آیات قرآن بر مصداقی، تطبیق شده است. از این روایات تحت عنوان روایات جری نام برده می‌شود. از آن جا که مصداقی که آیات قرآن بر آن‌ها تطبیق شده است، انواع گوناگونی دارند، گونه‌شناسی روایات جری، اهمیت و ضرورت می‌یابد. سؤال اصلی این پژوهش آن است که روایات جری به چه گونه‌هایی قابل تقسیم‌اند؟ برای یافتن پاسخ سؤال مذکور، ابتدا روایات جری مورد مطالعه قرار گرفت و با روش توصیفی-تحلیلی مشخص شد که روایات جری به شش گونه قابل تقسیم هستند که عبارت‌اند از: یک. روایات بیان‌کننده مصداق اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول؛ دو. روایات بیان‌کننده مصداق اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان؛ سه. روایات بیان‌کننده مصداق اتم اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول؛ چهار. روایات بیان‌کننده مصداق اتم اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان؛ پنج. روایات بیان‌کننده مصداق باطنی آیه در زمان نزول؛ شش. روایات بیان‌کننده مصداق باطنی آیه در گذر زمان.

کلیدواژه‌ها: جری، تطبیق، روایات جری، انواع جری و تطبیق.

مقدمه

از ویژگی‌های قرآن کریم جاودانه بودن آن است؛ زیرا سند کامل‌ترین ادیان آسمانی است که ناسخ تمام ادیان پیشین بوده و پاسخ‌گوی نیازهای بشریت در طول اعصار و قرون تا قیامت خواهد بود. معارف قرآن مختص به عصر، یا حال مخصوصی نیست. قرآن آنچه را

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید باهنر کرمان (ghahari@uk.ac.ir).

فضیلت می‌خواند، در همه ادوار بشری، فضیلت است و آنچه را ردیلت و ناپسند می‌شمرد، همیشه ناپسند و زشت است. همچنین آنچه از احکام عملی تشریع می‌کند، مخصوص عصر نزول و اشخاص آن عصر نیست، بلکه تشریعی است عمومی، جهانی و ابدی. بیانات قرآن عمومیت داشته و تعلیل‌های آن مطلق است؛ برای نمونه، مدح یا مذمتی که در حق جمعی از مؤمنان یا کافران وارد شده و معلل به وجود صفاتی خاص در آن‌ها است - در صورتی که همان صفات را در دیگران نیز می‌یابیم - نباید مخصوص همان افراد دانست. بنابراین، اگر در شأن نزول آیات، روایاتی آمده است که مثلاً می‌گوید آیه‌ای بعد از فلان جریان نازل شده، یا آیاتی درباره شخص یا واقعه‌ای خاص نازل شده است، نباید حکم آیه را مخصوص آن واقعه و آن شخص بدانیم؛ زیرا اگر این‌گونه فکر کنیم، باید بعد از انقضای آن واقعه یا مرگ آن شخص، حکم آیه قرآن نیز ساقط شود؛ حال، آن‌که حکم آیه، مطلق است.^۱ پس قرآن کتابی است که در غایب همانند حاضر، جاری است و بر حال و آینده، همانند گذشته، جاری و منطبق می‌شود. همه احکام، قوانین، اوصاف و ویژگی‌های آن فراتر از مرزهای مکانی و زمانی است. از این ویژگی قرآن کریم، در روایات، به «جری» تعبیر شده است.

در بسیاری از روایات، مفاد آیات قرآن بر مصادیق، تطبیق شده است. از این روایات تحت عنوان روایات جری نام برده می‌شود. از آن‌جا که مصادیقی که آیات قرآن بر آن‌ها تطبیق شده است، انواع گوناگونی دارند، گونه‌شناسی روایات جری اهمیت و ضرورت می‌یابد. سؤال اصلی این پژوهش آن است که روایات جری به چه گونه‌هایی قابل تقسیم‌اند؟ برای یافتن پاسخ سؤال مذکور، ابتدا روایات جری مورد مطالعه قرار گرفت و پس از تحلیل آن‌ها، گونه‌ها و انواع مختلف این روایات کشف گردید که در ادامه به شرح آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۱. پیشینه تحقیق

علامه مجلسی به جری و تطبیق اشاره نموده و چنین نگاشته است:

اگر آیه‌ای در باره قومی نازل شود، حکم آن آیه در مورد امثال آن قوم تا روز قیامت جریان دارد.^۲

فیض کاشانی نیز درباره جری و تطبیق می‌نویسد:

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۲؛ تسنیم، ج ۱، ص ۱۶۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۴۵.

احکام خداوند ناظر به حقایق کلی و مقامات نوعی است، نه ویژگی‌های فردی و شخصی. بنابراین، در جایی که به قومی خطابی شود یا عملی به ایشان نسبت داده شود، از نظر علما و خردمندان، هر آن کس که مانند آن قوم و طینت و سرشت آنان باشد، داخل در آن خطاب و عمل باشد.^۱

علامه طباطبایی به عنوان احیاگر جری و تطبیق، به صورت گسترده از آن، در تفسیر المیزان استفاده نموده و با تکیه بر این قاعده، به تبیین آیات و روایات پرداخته و نیز با استناد به آن، به اشکالات مطرح شده پاسخ داده است.^۲

در مقاله «جری و تطبیق در المیزان»، به بررسی جری و تطبیق در تفسیر المیزان پرداخته شده است.^۳

در فصل چهارم کتاب روش‌های تأویل قرآن، به تفصیل، درباره جری و تطبیق قرآن بر اهل بیت (علیهم‌السلام) و مخالفانشان بحث شده است.^۴

مقاله «تجلی جاودانگی قرآن در قاعده جری و تطبیق» درصدد است تا با استفاده از دلایل عقلی و نقلی، قاعده یادشده را اثبات کند.^۵

در مقاله «بررسی قاعده تفسیری جری و تطبیق با تأکید بر به کارگیری آن در سیره معصومان (علیهم‌السلام)» کوشیده شده تا ابعاد مختلف این قاعده، بررسی گردیده و نمونه‌های به کارگیری آن در سیره معصومان (علیهم‌السلام) گزارش، تبویب و تحلیل شود.^۶

مقاله «جری و تطبیق، روش‌ها و مبانی آن» درصدد کشف انواع جری و تطبیق و نیز روش‌ها، مبانی و آسیب‌های این قاعده است.^۷

در مقاله «جایگاه روایات جری و تطبیق در فرایند تفسیر قرآن» به بیان شاخصه‌های روایات جری و تطبیق، اقسام روایات جری و بیان ارتباط آن‌ها با بطن، تأویل و تفسیر قرآن پرداخته شده است.^۸

۱. تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۲۶.

۲. رک: علامه طباطبایی و حدیث، ص ۱۷۷-۲۲۱؛ رابطه متقابل کتاب و سنت، ص ۵۰۶-۵۲۳.

۳. رک: «جری و تطبیق در المیزان»، ص ۷۸-۹۶.

۴. رک: روش‌های تأویل قرآن، ص ۱۴۷-۲۰۴.

۵. رک: «تجلی جاودانگی قرآن در قاعده جری و تطبیق»، ص ۵۱-۶۶.

۶. رک: «بررسی قاعده تفسیری جری و تطبیق با تأکید بر به کارگیری آن در سیره معصومان (علیهم‌السلام)»، ص ۳۱-۴۴.

۷. رک: «جری و تطبیق روش‌ها و مبانی آن»، ص ۷-۳۲.

۸. رک: «جایگاه روایات جری و تطبیق در فرایند تفسیر قرآن»، ص ۱۲۴-۱۴۱.

مقاله «مبانی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبایی» به استخراج مبانی قاعده مذکور از منظر علامه طباطبایی پرداخته است.^۱

مقاله «جری و تطبیق در احادیث امام رضا (ع)» به استخراج مواردی از قاعده جری و تطبیق در روایات نقل شده از امام رضا (ع) پرداخته است.^۲

مقاله «روش‌های به کارگیری قاعده جری و تطبیق در حوزه فهم قرآن» به دنبال بررسی مفهوم و مصداق منطقی و روش تنقیح مناط در قاعده جری و تطبیق است.^۳

مقاله «مبانی ادبی و زبان شناختی جری و تطبیق در تفسیر قرآن» به استخراج مبانی این قاعده از جنبه ادبی و زبان شناختی پرداخته است.^۴

در مقاله «کاربرد جری و تطبیق در تفسیر قرآن» به تحلیل نسبت منطقی قاعده جری و تطبیق با اشکال مختلف فهم قرآن، یعنی تفسیر، تأویل و باطن پرداخته شده است.^۵

در کتاب معیارهای جری و تطبیق از نگاه علامه طباطبایی، ضمن اشاره‌ای گذرا به اصول و مبانی جری و تطبیق از منظر علامه طباطبایی، معیارهای این قاعده از نگاه وی استخراج و نمونه‌های روایی هر معیار ارائه شده است.^۶

تفاوت مقاله حاضر با پژوهش‌های قبلی این است که در این تحقیق درصدد کشف گونه‌های روایات جری هستیم.

۲. معنای لغوی جری و تطبیق

جری به معنای روان شدن، جریان داشتن و حرکت منظم در طول زمان است. از این رو، این واژه برای حرکت کشتی، حرکت خورشید، وزیدن باد، دویدن اسب و روان شدن آب استفاده می‌شود.^۷

تطبیق از ریشه «طبق» به معنای قرار گرفتن دو چیز برهم و هم پوشانی کامل آن دو بر

۱. رک: «مبانی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبایی»، ص ۵-۲۶.

۲. رک: «جری و تطبیق در احادیث امام رضا (ع)»، ص ۱۸۵-۱۹۴.

۳. رک: «روش‌های به کارگیری قاعده جری و تطبیق در حوزه فهم قرآن»، ص ۴-۲۷.

۴. رک: «مبانی ادبی و زبان شناختی جری و تطبیق در تفسیر قرآن»، ص ۵۷-۷۹.

۵. رک: «کاربرد جری و تطبیق در تفسیر قرآن»، ص ۱۵۳-۱۷۵.

۶. رک: معیارهای جری و تطبیق از نگاه علامه طباطبایی، ص ۱-۱۷۲.

۷. رک: الصحاح، ج ۶، ص ۲۳۱۰؛ کتاب العین، ص ۱۷۴؛ المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۹۴؛ لسان العرب، ج ۱۴، ص ۱۴۰.

یکدیگر است.^۱

۳. معنای اصطلاحی جری و تطبیق

علامه طباطبایی، به عنوان احیاگر جری، در تعریف آن چنین نگاشته است:

مقصود از جری، این است که قرآن شریف از حیث انطباق بر مصادیق، وسعت داشته و به موارد نزول آیات اختصاص ندارد، بلکه در هر موردی که به لحاظ ملاک با مورد نزول متحد باشد، جاری می‌گردد؛ مانند مثلاًهایی که خاص موارد اولیه نیستند، بلکه در هر چیز که مناسبتش محفوظ باشد، جاری می‌شوند.^۲

وی ذیل آیه هفتم سوره آل عمران، صریحاً جری را تعیین مصداق آیه دانسته و می‌نویسد:

این که در روایت آمده قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد، هم تأویل و هم تنزیل را شامل می‌شود. در مرحله تنزیل، منطق بر همان اصطلاحی است که در اخبار با عنوان جری آمده که بر انطباق معنای کلام بر مصداق آن دلالت دارد؛ مانند انطباق آیه شریفه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾^۳ بر همه مؤمنان متأخر از زمان نزول آیه که این خود، نوعی از انطباق است. و نوع دیگرش - که دقیق‌تر از آن است - انطباق آیات جهاد بر جهاد نفس، و انطباق آیات منافقان بر فاسقان از مؤمنین است. و نوع سوم آن - که باز از نوع دوم دقیق‌تر است - انطباق آیات منافقان و آیات مربوط به گنه‌کاران، بر اهل مراقبت و اهل ذکر و حضور قلب است، که اگر احیاناً در مراقبت و ذکر و حضورشان کوتاهی و یا سهل‌انگاری کنند، در حقیقت نوعی نفاق و گناه مرتکب شده‌اند. و نوع چهارم - که از همه انواع انطباق دقیق‌تر است - انطباق همان آیات منافقان و گنه‌کاران است بر اهل مراقبت و ذکر و حضور، در قصور ذاتی‌شان از ادای حق ربوبیت.^۴

دقت در مثال‌های فوق نشان می‌دهد که مراد علامه از مصداق، «ما ينطبق عليه المفهوم» است که هم شامل مصداق عینی خارجی و هم شامل مفاهیم فراگیری که مفاهیم دیگری را

۱. رک: المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۱۶ مجمع البحرین، ج ۵، ص ۲۰۴؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۷۷.

۲. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۶۷.

۳. سوره توبه، آیه ۱۲۰.

۴. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۷۲.

در برمی‌گیرد، می‌شود. همچنین هم‌نشینی تعبیر «من قبیل الجری» با تعبیری مانند «التطبیق» و «الانطباق» در تفسیر المیزان، نشان می‌دهد که از نظرایشان، جری عبارت است از تطبیق دادن آیه بر مصادیق آن.^۱

بنابراین، جری به معنای جریان داشتن قرآن است که از لوازم این جریان آن است که بر مصادیق جدیدی غیر از مورد و شأن نزول آیه، تطبیق می‌کند؛ خواه این مصادیق از مصادیق معنای ظاهری آیه باشند و یا از مصادیق معنای باطنی آن.

۴. انواع روایات جری

با عنایت به آنچه که گذشت، منظور از روایات جری، روایاتی هستند که در آن‌ها به بیان مصادیقی از آیه، غیر از مورد و شأن نزول آیه پرداخته شده است. این روایات به دو گونه کلی قابل تقسیم هستند: یک. روایات بیان‌کننده مصادیق معنای ظاهری آیه؛ دو. روایات بیان‌کننده مصادیق معنای باطنی آیه. هریک از دو گونه یادشده به انواع دیگری تقسیم می‌شود که در ادامه به ذکر آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱-۴. روایات بیان‌کننده مصداق معنای ظاهری آیه

روایات بیان‌کننده مصداق معنای ظاهری آیه به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: یک. روایات بیان‌کننده مصداق معنای ظاهری آیه در زمان نزول؛ دو. روایات بیان‌کننده مصداق معنای ظاهری آیه در گذر زمان. هریک از دو دسته یادشده به انواع دیگری قابل تقسیم است که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۱-۱-۴. روایات بیان‌کننده مصداق معنای ظاهری آیه در زمان نزول

در این دسته از روایات، مصادیق معنای ظاهری آیات - که در زمان نزول وجود داشته‌اند - ذکر شده است. این روایات به دو دسته قابل تقسیم‌اند که به ذکر آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۱-۱-۴. روایات بیان‌کننده مصداق اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول

در بسیاری از آیات قرآن کریم واژه‌ها یا عباراتی به صورت مطلق یا عام آمده است که بر مصادیق متعددی قابل تطبیق هستند. در روایات متعددی که ذیل این‌گونه از آیات نقل شده، به بیان مصداق اطلاق یا عموم آیه پرداخته شده است. لازم به ذکر است که مصداق

۱. برای مشاهده فهرست این موارد در تفسیر المیزان؛ رک: «مبانی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبائی»، ص ۸-۹.

اطلاق یا عموم آیه با مصداق باطنی آیه متفاوت است؛ زیرا مصداق اطلاق یا عموم آیه در حقیقت از اطلاق یا عموم معنای ظاهری آیه، اتخاذ شده؛ اما مصداق باطنی آیه از معنای باطنی آیه استخراج شده است. همچنین مصداق اطلاق یا عموم آیه برای غیرمعصوم نیز قابل تشخیص است، اما تشخیص مصداق باطنی آیه فقط در اختیار معصوم است و اگر بر فرض، غیرمعصوم چنین مصادیقی را بیان کند، فاقد حجیت است.^۱ در ادامه به ذکر مواردی از این روایات می‌پردازیم.

یک. از امام صادق (ع) درباره آیه «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»^۲ روایت شده که فرمود: مراد از معروف، قرض است.^۳

واژه «معروف» در آیه مذکور، مطلق بوده و هر کار نیکی را در برمی‌گیرد، اما در این روایت، بر مصداق قرض تطبیق شده است. بنابراین، این روایت تطبیقی، بیان‌کننده مصداق اطلاق آیه است.

دو. در ذیل آیه «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ»^۴ روایتی از امام باقر (ع) نقل شده که فرمود:

منظور از عبارت «شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ»، بنی‌الدَّار است که تنها دو نفر از این طایفه ایمان آوردند.^۵

عنوان «شَرَّ الدَّوَابِّ» مطلق است، ولی در روایت مذکور بر یک طایفه تطبیق شده است. بنابراین، این روایت تطبیقی، بیان‌کننده مصداق اطلاق آیه است.

سه. از امام علی (ع) درباره آیه «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»^۶ روایت شده که فرمود: من آن مردی هستم که تسلیم رسول خدا (ص) است.^۷

۱. «ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات و بررسی دیدگاه‌های مشهور براساس آن»، ص ۷۸.

۲. سوره نساء، آیه ۱۱۴.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۳۴.

۴. سوره انفال، آیه ۲۲.

۵. رک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۱۸.

۶. سوره زمر، آیه ۲۹.

۷. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۷۷۵.

عبارت «رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ» در آیه مذکور، مطلق بوده، اما در روایت فوق بر امام علی علیه السلام تطبیق شده است. بنابراین، این روایت تطبیقی، بیان‌کننده مصداق اطلاق آیه است. چهار. در آیه «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرُ أَمَلٍ»^۱ و آیه «وَيُرِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرُ مَرَدٍّ»^۲، عنوان «الباقیات الصالحات» آمده است. این عنوان عام و فراگیر است و شامل همه کارهای شایسته می‌شود. در روایات، مصادیق متعددی برای باقیات صالحات شمرده شده است؛ مانند: تسبیحات اربعه، نماز و مودّت اهل بیت علیهم السلام.^۳ روشن است که مصادیق مطرح شده در این روایات از مصادیق عموم آیات یادشده هستند. بنابراین، این روایات تطبیقی، بیان‌کننده مصادیق عموم آیه هستند.

پنج. درباره آیه «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرْنَا الَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ»^۴، از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمود: منظور از «الَّذِينَ أَضَلَّانَا»، ابلیس و قایل است.^۵

عبارت «الَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ» در آیه مذکور، عام بوده، اما در روایت فوق بر ابلیس و قایل تطبیق شده است. بنابراین، این روایت تطبیقی، بیان‌کننده مصداق عموم آیه است.

۴-۱-۲. روایات بیان‌کننده مصداق اتم اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول در بسیاری از آیات قرآن کریم واژه‌ها یا عباراتی به صورت مطلق یا عام آمده است که بر مصادیق متعددی تطبیق می‌کنند. در روایات متعددی که ذیل این‌گونه از آیات نقل شده، به بیان مصداق اتم و اکمل اطلاق یا عموم آیه پرداخته شده است. در ادامه به ذکر مواردی از این‌گونه روایات می‌پردازیم.

یک. از امام علی علیه السلام درباره آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۶ روایت شده که فرمود:

منظور از وسیله، من هستم.^۷

۱. سوره کهف، آیه ۴۶.

۲. سوره مریم، آیه ۷۶.

۳. رک: تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۲۶۴.

۴. سوره فضلت، آیه ۲۹.

۵. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۷.

۶. سوره مائده، آیه ۳۵.

۷. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۳، ص ۷۵.

واژه «الوسيله» در آیه یادشده، مطلق است؛ زیرا این واژه به معنای رساندن خود به چیزی با میل و رغبت است؛^۱ اما در روایت فوق بر امام علی علیه السلام تطبیق شده است. بنابراین، این روایت تطبیقی، بیان‌کننده مصداق اتم اطلاق آیه است.

دو. از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام درباره آیه «بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»^۲ روایت شده که منظور از «سَيِّئَةٍ» انکار امامت امیرمؤمنان علیه السلام است.^۳ واژه «سَيِّئَةٍ» در آیه یادشده، مطلق است و هر گناهی را در برمی‌گیرد؛ اما در روایت فوق بر انکار امامت امیرمؤمنان علیه السلام تطبیق شده است. بنابراین، این روایت تطبیقی، بیان‌کننده مصداق اتم اطلاق آیه است.

سه. از امام باقر علیه السلام درباره آیه «لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا»^۴ روایت شده که منظور از عبارت: «مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ»، آنچه است که درباره علی علیه السلام نازل شده است.^۵ عبارت «مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ» در آیه یادشده، مطلق است، اما در روایت فوق بر آیاتی که درباره امام علی علیه السلام نازل شده، تطبیق شده است. بنابراین، این روایت تطبیقی، بیان‌کننده مصداق اتم اطلاق آیه است.

چهار. درباره آیه «وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»^۶ از ابن عباس چنین روایت شده است:

منظور از: «الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ، محمد صلی الله علیه و آله و سلم» و مراد از: صَدَّقَ بِهِ، علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۷

از آن جا که عبارت «الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ» عام بوده، اما در روایت فوق بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام تطبیق شده است. بنابراین، این روایت تطبیقی، بیان‌کننده مصداق اتم عموم آیه است.

پنج. از امام صادق علیه السلام درباره آیات «وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتَقَى * الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى * وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى»^۸ روایت شده که فرمود:

۱. رک: المفردات فی غریب القرآن، ص ۸۷۱.

۲. سوره بقره، آیه ۸۱.

۳. رک: الکافی، ج ۱، ص ۴۲۹.

۴. سوره نساء، آیه ۱۶۶.

۵. رک: تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۸۵.

۶. سوره زمر، آیه ۳۳.

۷. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۷۷۷.

۸. سوره لیل، آیه ۱۷-۱۹.

آیه «وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى» درباره رسول خدا ﷺ و هر کسی است از او پیروی کند و آیه «الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى» درباره امیر مؤمنان علی است؛ زیرا درباره آن حضرت در آیه دیگری فرموده است: «وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ». آیه «وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى» درباره رسول خدا ﷺ است؛ زیرا هیچ کس به آن حضرت نعمتی نداده تا جزای آن را از او طلبکار باشد، بلکه نعمت، آن حضرت است که بر همه خلایق جاری است.^۱

آیات یادشده عام یا مطلق بوده، اما در روایت فوق بر پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام تطبیق شده است. بنابراین، این روایت تطبیقی، بیان‌کننده مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیه است.

۲-۱-۴. روایات بیان‌کننده مصداق معنای ظاهری آیه در گذر زمان

در این دسته از روایات، مصادیق معنای ظاهری آیات - که در دوران پس از زمان نزول تحقق می‌یابند - ذکر شده است. این روایات به دو دسته قابل تقسیم‌اند که به ذکر آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۲-۴. روایات بیان‌کننده مصداق اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان

منظور از مصداق اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان، مصادیقی از معنای ظاهری آیه است که در دوران پس از نزول آیه محقق می‌شوند. به دیگر سخن، قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد و معنای مطلق یا عام آیاتش بر مصادیق جدید در گذر زمان تطبیق می‌یابد. در ادامه، چند نمونه از این روایات را ذکر می‌کنیم.

یک. از امام صادق علیه السلام درباره آیه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»^۲ روایت شده که فرمود:

منظور کسی است که ایمان به قیام قائم علیه السلام داشته باشد و آن را حق بداند.^۳

واژه «الْغَيْبِ» در آیه مورد بحث، مطلق است، ولی در حدیث فوق بر قیام قائم علیه السلام - که مصداقی از غیب در گذر زمان است - تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت از نوع بیان مصداق اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

۱. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۶۸۰.

۲. سوره بقره، آیه ۳.

۳. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۲۴.

دو. از رسول خدا ﷺ درباره آیه «وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ»^۱ روایت شده که:

منظور از «إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ»، امام علی علیه السلام و شیعیانش است.^۲

واژه «إِخْوَانًا» در آیه مورد بحث، مطلق است و شیعیان علی علیه السلام از مصادیق اطلاق آن در گذر زمان محسوب می‌گردند. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت از نوع بیان مصداق اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

سه. ذیل آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا»^۳ از امام صادق علیه السلام روایت شده که:

این آیه درباره ابوذر، سلمان فارسی، مقداد و عمار یاسر نازل شده است.^۴

سوره کهف مکی است، ولی سلمان از جمله کسانی است که در مدینه به پیامبر ﷺ ایمان آوردند.^۵ عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» در آیه ۱۰۷ سوره کهف، عام است و واضح است که سلمان فارسی از مصادیق عموم آیه در گذر زمان محسوب می‌گردد. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت از نوع بیان مصداق عموم آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

چهار. در روایت نبوی، آیه «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۶ به کسانی که در آینده خواهند آمد و به اسلام و قرآن ایمان خواهند آورد، معنا شده است.^۷ عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ» در آیه یادشده، عام است، ولی در حدیث فوق بر کسانی که در آینده خواهند آمد و به اسلام و قرآن ایمان خواهند آورد، تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت از نوع بیان مصداق

۱. سوره حجر، آیه ۴۷.

۲. رک: تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۲۵۳.

۳. سوره کهف، آیه ۱۰۷.

۴. رک: تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۶.

۵. رک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۴۰۲.

۶. سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

۷. رک: البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۹۵.

عموم آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

پنج. از امام صادق (ع) درباره آیه «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُنْفِرُوا إِنَّهُ لَا يُجِبُ الْمُشْرَفِينَ»^۱ سؤال شد. حضرت در پاسخ فرمود:

فلان بن فلان انصاری (و اسمش را برد) زراعتی داشت. وقتی حاصلش دست می‌آمد، همه را صدقه می‌داد و برای خود و عیالش چیزی باقی نمی‌گذاشت. خدای تعالی این عمل را اسراف خواند.^۲

علامه طباطبایی پس از نقل این حدیث می‌نویسد:

مراد امام (ع) این است که آیه شریفه بر عمل آن شخص منطبق است، نه این که آیه در شأن او نازل شده؛ زیرا آیه شریفه مکی است و در آن روز انصاری در میان نبود. بعید نیست آن انصاری - که امام (ع) اسم برده - ثابت بن قیس بن شماس باشد؛ چون طبری و دیگران نیز از ابن جریح نقل کرده‌اند که گفته است: آیه مورد بحث در باره ثابت بن قیس بن شماس نازل شده است ... داستان ثابت بن قیس نمی‌تواند شأن نزول آیه باشد چون او مردی است مدنی و آیه شریفه نزولش در مکه بوده است. آری، آیه عمل وی را از باب جری و انطباق در بر می‌گیرد.^۳

واژه «الْمُشْرَفِينَ» در آیه مورد بحث، عام است، ولی در حدیث فوق بر ثابت بن قیس بن شماس تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع بیان مصداق عموم آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

۴-۱-۲. روایات بیان‌کننده مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان

در بسیاری از آیات قرآن کریم واژه‌ها یا عباراتی به صورت مطلق یا عام آمده است که بر مصادیق متعددی تطبیق می‌کنند. در روایات متعددی که ذیل این‌گونه از آیات نقل شده است، به بیان مصداق اتمّ و اکمل اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان پرداخته شده است. در ادامه به ذکر مواردی از این گونه روایات می‌پردازیم.

یک. ذیل آیه «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ»^۴ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود:

۱. سوره انعام، آیه ۱۴۱.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۵۵.

۳. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۶۹.

۴. سوره نمل، آیه ۶۲.

این آیه درباره قائم از آل محمد علیهم السلام نازل شده است. به خدا سوگند که او همان مضطر است.^۱

واژه «الْمُضْطَرُّ» در آیه مورد بحث، مطلق است، ولی در حدیث فوق بر قائم علیه السلام تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت از نوع بیان مصداق اتمّ اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

دو. از علی بن ابراهیم قمی درباره آیه «قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى اللَّهُ خَيْرُ أَمَّا يُشْرِكُونَ»^۲ چنین روایت شده است:

منظور از آن‌ها خاندان محمد صلی الله علیه و آله است.^۳

عبارت «عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى» در آیه مورد بحث، مطلق است، ولی در حدیث فوق بر خاندان محمد صلی الله علیه و آله تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت از نوع مصداق اتمّ اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

سه. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که آن حضرت آیه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ»^۴ را به ائمه علیهم السلام معنا کرده است.^۵ عبارت «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» در آیه مورد بحث، عام است، ولی در حدیث فوق بر ائمه علیهم السلام تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت از نوع بیان مصداق اتمّ عموم آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

چهار. ذیل آیه «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقاً»^۶ از امام صادق علیه السلام این گونه روایت شده است:

کسانی که کافر شدند و به خاندان محمد صلی الله علیه و آله ستم کردند، هرگز خدا آن‌ها را نخواهد بخشید، و آنان را به هیچ راهی هدایت نخواهد کرد.^۷

عبارت «الَّذِينَ ظَلَمُوا» در آیه مورد بحث، عام است، ولی در حدیث فوق بر ظالمان بر خاندان محمد صلی الله علیه و آله تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت از نوع بیان

۱. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۲۹.

۲. سوره نمل، آیه ۵۹.

۳. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۲۹.

۴. سوره عنکبوت، آیه ۴۹.

۵. رک: الکافی، ج ۱، ص ۲۱۴.

۶. سوره نساء، آیه ۱۶۸.

۷. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۵۹.

مصدق اتم عموم آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

پنج. از امام صادق علیه السلام درباره آیه «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ»^۱ روایت شده که فرمود:
ما آن شافعان هستیم.^۲

عبارت «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ» در آیه مورد بحث، عام است، ولی در حدیث فوق بر ائمه علیهم السلام تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت از نوع بیان مصداق اتم عموم آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

۲-۴. روایات بیان‌کننده مصداق معنای باطنی آیه

مراد از مصداق باطنی آیات، امور خارجی و واقعیات عینی به لحاظ معنای باطنی آیات است. روایات بیان‌کننده مصداق معنای باطنی آیه به دو دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از:

۱-۲-۴. روایات بیان‌کننده مصداق باطنی آیه در زمان نزول

در این دسته از روایات، مصادیق باطنی آیات - که در زمان نزول وجود داشته‌اند - ذکر شده است. در این جا به ذکر نمونه‌هایی از این گونه از روایات می‌پردازیم.
یک. ذیل آیه «وَاتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۳ روایاتی نقل شده که مراد از نور، امام علی علیه السلام است.^۴ با عنایت به این که معنای ظاهری «نور» در آیه ۱۵۷ سوره اعراف، قرآن است، لذا امام علی علیه السلام مصداق باطنی آن محسوب می‌گردد. بنابراین، این روایات تطبیقی، بیان‌کننده مصداق باطنی آیه هستند.
دو. در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»^۵ نقل شده که آن حضرت فرمود:

صراط مستقیم، امیر مؤمنان علیه السلام است.^۶

عبارت «صراط مستقیم» در آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» به معنای راه معنوی است و یک

۱. سوره بقره، آیه ۲۵۵.

۲. المحاسن، ج ۱، ص ۱۸۳.

۳. سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

۴. رک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۲۹۰.

۵. سوره حمد، آیه ۶.

۶. معانی الاخبار، ص ۳۲.

انسان نمی‌تواند به عنوان مصداق راه معنوی باشد؛ اما در روایت یادشده از یک انسان - یعنی امام علی (ع) - به عنوان مصداق صراط مستقیم نام برده شده است. لذا این مصداق از نوع مصداق باطنی آیه به شمار می‌رود. بنابراین، این روایت تطبیقی، بیان‌کننده مصداق باطنی آیه است.

سه. ذیل آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ﴾^۱ روایاتی وارد شده که طبق برخی از آن‌ها، این آیه درباره کسانی است که ولایت امام علی (ع) را کتمان می‌کنند.^۲ از آیه یادشده، الغای خصوصیت شده و معنایی فراگیر از آن اتخاذ گردیده است. آن معنای فراگیر، این است که هرگاه فردی درصدد پنهان کردن حقیقتی برآید که خداوند، مستقیم یا غیرمستقیم آن را روشن‌گرو هدایت‌گربشر معرفی کرده است، مورد لعن خداوند و لعنت‌کنندگان خواهد بود.^۳ کسانی که ولایت امام علی (ع) را کتمان می‌کنند، از مصادیق این معنای فراگیر هستند که جزو مصادیق باطنی آیه محسوب می‌شوند. بنابراین، این روایات تطبیقی، بیان‌کننده مصداق باطنی آیه هستند.

چهار. درباره آیه ﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا﴾^۴ دو روایت نقل شده که در یکی، منظور از فضل الله، پیامبر (ص) و مراد از رحمت، امیرمؤمنان (ع) است، و در دیگری، منظور از فضل الله، امیرمؤمنان (ع) و مراد از رحمت، پیامبر (ص) است.^۵ روشن است که در آیه مذکور، پیامبر (ص) و امیرمؤمنان (ع) مصداق باطنی فضل و رحمت خداوند محسوب می‌شوند. بنابراین، این روایات تطبیقی، بیان‌کننده مصداق باطنی آیه هستند.

پنج. از امام صادق (ع) درباره آیه ﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ﴾^۶ روایت شده که فرمود:

مقصود از نحل، ما هستیم که خدا بدان وحی نموده، و مراد از ﴿النَّحْلُ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا﴾، امر به ما است که از عرب برای خود، شیعه بگیریم. و منظور از «من

۱. سوره بقره، آیه ۱۵۹.

۲. رک: تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۷۱.

۳. رک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۶.

۴. سوره نساء، آیه ۸۳.

۵. رک: تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۶۱.

۶. سوره نحل، آیه ۶۸.

الشجر»، این است که از عجم نیز شیعه بگیریم. و مقصود از ﴿وَمِمَّا يَعْرِشُونَ﴾، آن است که از بردگان هم شیعه بگیریم. و مقصود از شرابی که از شکم زنبور بیرون می‌آید و دارای الوان مختلفی است، علمی است که از ما به سوی شما ترشح می‌شود.^۱

بدیهی است که موارد مذکور در این روایات از مصادیق باطنی آیه یادشده به شمار می‌روند. بنابراین، این روایت تطبیقی، بیان‌کننده مصداق باطنی آیه است.

۲-۲-۴. روایات بیان‌کننده مصداق باطنی آیه در گذر زمان

در بسیاری از روایات به بیان مصداق باطنی آیه در گذر زمان پرداخته شده است. در ادامه به ذکر چند نمونه از این روایات می‌پردازیم.

یک. از امام باقر (ع) درباره آیه ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^۲ یا آیه ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رَجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^۳ سؤال شد که مراد از اهل الذکر کیست؟ حضرت فرمود:

مراد ما هستیم که مسئول و سائل هستیم و باید از ما پرسش شود.^۴

این در حالی است که مراد از اهل الذکر در آیات مذکور، اهل کتاب هستند؛ اما در این روایت از این آیات، الغای خصوصیت و تنقیح مناط شده و معنای کلی و باطنی مراجعه جاهل به عالم و اهل خبره اتخاذ شده و سپس بر مصداق باطنی اهل خبره در گذر زمان، یعنی ائمه (ع) تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت از نوع بیان مصداق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

دو. از امام علی (ع) درباره آیه ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾^۵ روایتی نقل شده که آن حضرت «مِشْكَاةً» را به پیامبر (ص) «مِصْبَاحُ» را به خودش، «زُجَاجَةُ الزُّجَاجَةُ»

۱. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۸۷.

۲. سوره نحل، آیه ۴۳.

۳. سوره انبیاء، آیه ۷.

۴. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۶۸.

۵. سوره نور، آیه ۳۵.

را به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، «كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» را به امام سجاد علیه السلام، «شَجَرَةٌ مُبَارَكَةٌ» را به امام باقر علیه السلام، «زَيْتُونَةٌ» را به امام صادق علیه السلام، «لَا شَرْفِيَّةَ» را به امام کاظم علیه السلام، «لَا غَرْبِيَّةَ» را به امام رضا علیه السلام، «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» را به امام جواد علیه السلام، «لَوْ لَمْ تَمَسْسُهُ نَارٌ» را به امام هادی علیه السلام، «نُورٌ عَلَى نُورٍ» را به امام عسکری علیه السلام و «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» را به امام مهدی علیه السلام معنا کرده است.^۱ روشن است که آنچه در این روایت مطرح شده است، همگی از مصادیق باطنی آیه در گذر زمان محسوب می‌گردند. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت از نوع بیان مصادیق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

سه. از امام صادق علیه السلام درباره آیه «إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمِ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَغْنَاهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»^۲ روایت شده که فرمود:

گردن‌های بنی‌امیه با آمدن صیحه‌ای آسمانی به نام صاحب‌الامر نرم و خاضع می‌شود.^۳

معنای ظاهری آیه مذکور درباره مشرکان مکه است؛ اما در حدیث فوق، بر بنی‌امیه - که از مصادیق باطنی آیه در گذر زمان هستند - تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت از نوع بیان مصادیق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

چهار. از امام صادق علیه السلام درباره آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۴ روایت شده که فرمود:

اوصیا همان درهای خدای تعالی هستند که از آن‌ها به حضرت او توجه می‌شود. اگر آنان نبودند، خداوند تعالی شناخته نمی‌شد. خدا به وسیله آنان بر خلق خود اتمام حجت کرده است.^۵

در حدیث فوق، ابتدا از آیه یادشده، الغای خصوصیت و تنقیح مناط شده و معنای کلی و باطنی انجام هر کاری از راه خودش استخراج گردیده و سپس بر مصادیق باطنی آن، یعنی ائمه علیهم السلام تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت از نوع بیان مصادیق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

۱. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۷۲.

۲. سوره شعراء، آیه ۴.

۳. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۲۹.

۴. سوره بقره، آیه ۱۸۹.

۵. الکافی، ج ۱، ص ۱۹۳.

پنج. از امام باقر (ع) درباره آیه ﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۱ روایت شده که فرمود:

منظور از سبیل، ما هستیم.^۲

واژه «سبیل» در آیه یادشده به معنای راه معنوی است و یک انسان نمی‌تواند به عنوان مصداق راه معنوی باشد؛ اما در روایت یادشده، از انسان‌هایی (ائمه (ع)) به عنوان مصداق سبیل نام برده شده است، لذا این مصداق از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌روند. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت از نوع بیان مصداق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

نتیجه

از تحلیل روایات جری این نتیجه حاصل شد که این روایات دارای شش گونه متفاوت هستند. روایات جری به دو گونه کلی قابل تقسیم هستند که عبارت‌اند از: یک. روایات بیان‌کننده مصداق معنای ظاهری آیات؛ دو. روایات بیان‌کننده مصداق معنای باطنی آیات. گونه یکم به چهار نوع دیگر تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: یک. روایات بیان‌کننده مصداق اطلاق یا عموم آیات در زمان نزول؛ دو. روایات بیان‌کننده مصداق اتم اطلاق یا عموم آیات در زمان نزول؛ سه. روایات بیان‌کننده مصداق اطلاق یا عموم آیات در گذر زمان؛ چهار. روایات بیان‌کننده مصداق اتم اطلاق یا عموم آیات در گذر زمان. گونه دوم به دو نوع دیگر تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: یک. روایات بیان‌کننده مصداق باطنی آیات در زمان نزول؛ دو. روایات بیان‌کننده مصداق باطنی آیات در گذر زمان.

کتابنامه

قرآن کریم

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة (ع)، محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.

البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بن سلیمان بحرانی، قم، مؤسسه بعثه، ۱۴۱۵ق.

۱. سوره انعام، آیه ۱۵۳.

۲. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۶۸.

- تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، على استرآبادی، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۰۹ق.
- التحقيق في كلمات القرآن الكريم، حسن مصطفوی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
- تسنیم، عبدالله جوادی آملی، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۹ش.
- تفسير الصافي، محمد محسن فيض كاشاني، تهران، مكتبة الصدر، ۱۴۱۵ق.
- تفسير العياشي، محمد بن مسعود عياشي، تهران، مكتبة العلمية الاسلامية، ۱۳۸۰ق.
- تفسير القمي، علي بن ابراهيم قمي، قم، دارالكتاب، ۱۳۶۳ش.
- تفسير فرات الكوفي، فرات بن ابراهيم كوفي، تهران، مؤسسة الطبع وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، ۱۴۱۰ق.
- تفسير نورالثقلين، عبد علي بن جمعه عروسی حویزی، قم، مؤسسه اسماعيليان، ۱۴۱۵ق.
- رابطه متقابل كتاب و سنت، علي نصیری، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه دینی، ۱۳۸۵ش.
- روش های تأویل قرآن، محمد کاظم شاکر، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۶ش.
- الصحيح، اسماعيل بن حماد جوهري، بيروت، دارالعلم، ۱۴۰۷ق.
- علامه طباطبائی و حدیث، شادی نفیسی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴ش.
- الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۴۰۷ق.
- كتاب العين، خليل بن احمد فراهیدی، قم، هجرت، ۱۴۱۰ق.
- لسان العرب، محمد ابن منظور، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
- مجمع البحرين، فخرالدين طريحي، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
- مجمع البيان في تفسير القرآن، فضل بن حسن طبرسی، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقي، قم، دارالكتب الإسلامية، ۱۳۷۱ق.
- معانی الاخبار، محمد بن علی صدوق، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
- معیارهای جری و تطبیق از نگاه علامه طباطبائی، علی هاشمی نسلجی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸ش.
- المفردات في غريب القرآن، حسين بن محمد راغب اصفهانی، بيروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
- مناقب آل ابي طالب (عليه السلام)، محمد بن علی بن شهر آشوب، قم، انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق.

- المیزان فی تفسیر القرآن، محمدحسین طباطبایی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
- «بررسی قاعده تفسیری جری و تطبیق با تأکید بر به کارگیری آن در سیره معصومان (علیهم‌السلام)»، محسن نورایی، مجله آموزه‌های قرآنی، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ش، شماره ۱۴.
- «تجلی جاودانگی قرآن در قاعده جری و تطبیق»، محمدعلی رضایی اصفهانی، فصلنامه اندیشه دینی، زمستان ۱۳۸۶ش، شماره ۲۵.
- «جایگاه روایات جری و تطبیق در فرایند تفسیر قرآن»، مصطفی سلیمی زارع، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، بهار ۱۳۹۲ش، شماره ۷۳.
- «جری و تطبیق در احادیث امام رضا (علیه‌السلام)»، صغری لک‌زایی، وزهرا قاسم‌نژاد، مجله بینات، تابستان و پاییز ۱۳۹۴ش، شماره ۸۶ و ۸۷.
- «جری و تطبیق در المیزان»، علی نصیری، مجله علوم و معارف قرآنی، تابستان ۱۳۷۵ش، شماره ۲.
- «جری و تطبیق روش‌ها و مبانی آن»، یدالله یزدان‌پناه، مجله حکمت عرفانی، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ش، شماره ۴.
- «روش‌های به کارگیری قاعده جری و تطبیق در حوزه فهم قرآن»، محمدعلی رضایی کرمانی، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، پاییز ۱۳۹۵ش، شماره ۸۰.
- «کاربرد جری و تطبیق در تفسیر قرآن»، هدیه مسعودی صدر، فصلنامه مطالعات قرآنی، تابستان ۱۳۹۷ش، شماره ۳۴.
- «ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات و بررسی دیدگاه‌های مشهور بر اساس آن»، محمدهادی قهاری کرمانی، پژوهشنامه تأویلات قرآنی، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ش، شماره ۳.
- «مبانی ادبی و زبان‌شناختی جری و تطبیق در تفسیر قرآن»، علی راد و ابوالحسن مؤمن‌نژاد، فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، بهار ۱۳۹۶ش، شماره ۳۳.
- «مبانی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبایی»، شادی نفیسی، مجله قرآن‌شناخت، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ش، شماره ۱۲.